

تجلی حضرت امیرالمومنین علیه السلام در عرفان و شعر

نویسندگان: بدالله رضانزاد امیردهی، سنبل محمدی^۲

پذیرش: ۱۳۹۹/۰۳/۱۴

دریافت: ۱۳۹۸/۱۲/۰۶

چکیده:

بی شک حضرت علی علیه السلام اسطوره و آینه تمام نمای مردانگی و مروت است، امام علی کسی است که، نه تنها با اندیشه و سخنش، بلکه با وجود و زندگی‌اش، به همه دردها و نیازها و همه احتیاج‌های چندگونه بشری، در همه دوره‌ها، پاسخ می‌دهد، ارادت و علاقه اکثر شاعران گذشته و معاصر به حضرت امیر علیه السلام چنان زیاد است که فقط گردآوری اشعار و متونی که درباره مدح امام علی علیه السلام و در سوگ آن حضرت سروده اند نیازمند سال‌ها وقت است. نوشتار حاضر به صورت توصیفی و تحلیلی به اشعار برخی از معروف‌ترین شعرای فارسی‌گوی گذشته و معاصر پرداخته و همچنین به وجود آمدن شعرهای آیینی در دوره اخیر اشاره ای کوتاه دارد. تا شاید فقط بتواند گوشه ای از عشق به مولا را در ادب فارسی بیان کند.

واژگان کلیدی: امام علی، شاعران گذشته و معاصر، شعر آیینی



^۱ - دانشجوی دکتری دانشگاه آزاد اسلامی ، y.rezanezhad@yahoo.com

^۲ - دانشجوی دکتری دانشگاه آزاد اسلامی ، s_mohammadi@yahoo.com

ارادت و علاقه اکثر شاعران کلاسیک و معاصر به حضرت امیر علیه السلام چنان زیاد است که فقط گردآوری اشعار و متونی که درباره مدح امام علی علیه السلام و در سوگ آن حضرت سروده اند نیازمند روزها، ماه ها و سال ها وقت است و این نوشتار شاید فقط بتواند گوشه ای از عشق به مولا را در ادب فارسی بیان کند.

بی عشق تو هر که در جهان زیست مباد/ با یاد تو، دوزخ و جنان چیست؟ مباد
یک جمله بگویم و سخن ختم کنم/ آن دل که در او مهر علی نیست، مباد
امام علی علیه السلام هم به عنوان نماد جوانمردی و هم نماد انسان کامل در آفرینش و جامعه ی انسانی و هم به دلیل کمالات اخلاقی و شخصیت والای دینی در ادبیات ایران حضوری چشمگیر دارد. امام علی علیه السلام به عنوان انسانی برتر و متعلق به بشریت وصف شده است و در حقیقت همه ی آرزوهای بشر در اعمال حضرت امیر علیه السلام تجسم یافته و در متون نظم و نثر از منش و رفتار ایشان به عنوان نمونه والای یک انسان کامل یاد شده است. (نوری کوتنایی، جلوه ی علی علیه السلام در ادب فارسی، ص ۴۵) گاهی اوقات در شعر شاعران نکاتی را می بینیم که تقریباً همه ی آن بر اساس باور و اعتقاد شاعر و بر اساس صفای دل آنها گفته شده است. جایگاه حضرت علی علیه السلام در شعر فارسی جایگاهی بسیار والا و بلند مرتبه و بی نهایت گسترده است. در شعر شاعران - از شاعران مدیحه سرا و عارف گرفته تا شاعران حماسه پرداز - از صفات کمالی و شکوه و عظمت علی علیه السلام نکات برجسته ای را می بینیم که ادبیات و شعر را به اوج زیبایی می رساند. «عمان سامانی» زمانی از علی علیه السلام می گوید، از جنگ ها و پیروزی هایش، از شجاعت و عدالت علی علیه السلام و از سکوت او که فاطمه علیه السلام را به حیرت وامی دارد: گفت آن بینای ما زاغ البصر/ این عبارت را به طوری مختصر کاندرا آن شب چون دلم شد منجلی/ هر کجا دیدم علی دیدم علی با خدای لامکان سرگرم راز/ با ملک در آسمان اندر نماز در زمین اصحاب را مهمان به خوان/ مر مرا در عرش اعظم، میزبان بی رضای او عبادت هاست خام/ بی ولای او اطاعت ناتمام وقتی به اشعار شاعرانی چون مولانا، ابوسعید ابوالخیر، منتخب الشعرا، تبریزی، فردوسی، سعدی، حافظ، ناصر خسرو، ابن حسام خراسانی، فرغانی، عمان سامانی، اقبال لاهوری، سنایی، وحشی بافقی، صائب، هاتف اصفهانی، شاه نعمت الله ولی، بیدل دهلوی، عطار و شاعران بزرگ دیگر می نگریم می بینیم علی علیه السلام و رفتار او نمونه و الگوی مهم در ادب فارسی است. (نوری کوتنایی، جلوه ی علی علیه السلام (ع) در ادب فارسی، ص ۷۵) در وصف بیانات اخلاقی امیرالمؤمنین علیه السلام در اشعار مولانا آمده است: آدمی مخفی است در زیر زبان/ این زبان پرده است بر درگاه جان چون که باری پرده را در هم کشید/ سر صحن خانه شد بر ما پدید نمونه های بسیاری در مثنوی معنوی و دیوان شمس اشارات مختلف و فراوانی به زندگی علی علیه السلام و کمالات و فضایل آن حضرت دارد: تا صورت پیوند جهان بود علی بود/ تا نقش زمین بود و زمان بود علی بود آن قلعه گشایی که در قلعه خیبر/ بر کند به یک حمله و بگشود، علی بود این کفر نباشد، سخن کفر نه این است/ تا هست علی باشد و تا بود علی بود «ناصر خسرو» وقتی در قرن ۴ و ۵ هجری به شدت در معرض بحث و مجادله مذاهب گوناگون قرار می گرفت به مسئله (ولایت) تاکید می کرد و همان طوری که می دانیم ولایت و دوستی اهل بیت در دیوان ناصر خسرو و عقایدش بسیار دیده می شود: (حضرتی، ستایش امیرالمؤمنین علیه السلام در سروده های سخنوران قزوینی، ص ۸۱) این همه رمز و مثل ها را کلید/ جمله اندر خانه پیغمبر است گر به خانه در ز راه در شوید/ این مبارک خانه را در حیدر است «سنایی» نیز در اشعاری که به صفات علی علیه السلام می پردازد به حدیث «انا مدینه العلم و علی بابها» اشاره می کند و می گوید: من سلامت خانه نوح نبی بنمایم/ تا توانی خویشتن را ایمن از شر داشتن شو مدینه، علم را جوی و سپس در وی خرام/ تا که یابی خویشتن را حلقه بر

در داشتن و اما با یک ژرف نگری، در جایی دیگر می بینیم «اقبال لاهوری» در یک تعبیر عاشقانه و عارفانه و عالمانه همه احساسات خود را نسبت به امام عشق و ایثار علی علیه السلام چنین بیان کرده است: از ولای دودمانش زنده ام/ در جهان مثل گهر تابنده ام زمزم از جوشد ز خاک من ازوست/ می اگر ریزد ز تاک من ازوست خاکم و از مهر او آینه ام/ می توان دیدن نوا در سینه ام در جایی دیگر با مضمون «انا مدینه العلم و ...» می آورد: ذات او دروازه شهر علوم/ زیر فرمانش حجاز و چین و روم زیر پاش این جا شکوه خیر است/ دست او آن جا قسیم کوثر است... از رخ او فال، پیغمبر گرفت/ ملت حق از شکوهش فر گرفت مسلم اول، شه مردان علی/ عشق را سرمایه ی ایمان علی شورانگیزی قرآن و عشق به علی علیه السلام در دل و جان اقبال، در جای جای کلامش به چشم می خورد. او در جاهای متناسب با حال و معنا از معانی قرآن و گاهی هم از مضامین حدیث نیز استفاده کرده است. در حدیث است که «فضیلت قرآن در سوره ی اخلاص و فضیلت سوره ی اخلاص در بسم الله و فضیلت بسم الله در حرف بای آغازین آن است و علی علیه السلام بای بسم الله است.» (حضرتی، ستایش امیرالمؤمنین علیه السلام در سروده های سخنوران قزوینی، ص ۹۹) الله الله بای بسم الله پدر/ معنی ذبح عظیم آمد پسر در مصراع اول این بیت به مقام و منزلت حضرت علی علیه السلام و در مصراع دوم به مقام ذبح عظیم حسین علیه السلام اشاره شده است. کوتاه سخن این که از علی علیه السلام سرودن و وصف علی (ع) را گفتن بی نهایت دشوار است. شاعرانی که درباره علی علیه السلام می سرایند خود را در برابر یک معجزه الهی و یک شخصیت بی مثال تاریخی می یابند که در فهم و اندیشه هر انسانی نمی گنجد. به قول شاعر معاصر قزوینی «موسوی گرمارودی»: راستی آیا علی از جنس ماست؟/ در شگفتم عمق این دریا کجاست؟ چون ز وی باید سخن آغاز کرد؟/ چون توان این راز حق را باز کرد؟ عمق ما تا سطح خواهش های دل/ او فراتر از حدود آب و گل طول و عرض او چه دانی تا کجاست؟/ آدمیزادی در ابعاد خداست ما کجا، آن خوب، آن زیبا کجا/ او امیر عشق و ما عبد هوا

شاعرانی که حضرت علی علیه السلام را ستودند

فردوسی، عطار، مولانا و بسیاری از دیگر شاعران کلاسیک و معاصر ایرانی در شعرهای شان به امام علی علیه السلام ابراز عشق و ارادت کرده اند. شخصیت امام علی علیه السلام از دیرباز مورد توجه شاعران ایرانی بوده و در شعر بسیاری از شاعران کلاسیک و معاصر فارسی ستوده شده است. در سال های پس از انقلاب، شاعران بسیاری به شعر گفتن درباره ی معصومین و از جمله امیرالمؤمنین علیه السلام روی آورده اند. همه ساله نیز از سوی نهادهای دولتی آیین ها و کنگره هایی برای تشویق و ترغیب شاعران به سرودن این نوع شعرها برگزار می شود. با این حال، بویژه تجلی امام علی علیه السلام در شعر فارسی قدمتی بسیار دیرین دارد و به دوران فرمانروایی حاکمان شیعه بر ایران محدود نیست.

کسای مروز: در آثار شاعران سده ی سوم و چهارم هجری، شهید بلخی و همین طور رودکی سمرقندی که با لقب «پدر شعر فارسی» شناخته شده، بیت ها و اشاره های ستایش آمیزی درباره ی امام علی علیه السلام دیده می شود. با این حال، شعری که کسای مروز، شاعر قرن چهارم یا پنجم، درباره ی امام علی علیه السلام سروده، از نخستین شعرهایی است که در آن به شکل مفصل به ستایش این امام معصوم پرداخته شده است (کسای مروز، دیوان اشعار، ص ۸۸)

مدحت کن و بستای کسی را که پیمبر / بستود و ثنا کرد و بدو داد همه کار
آن کیست بدین حال و که بوده است و که باشد / جز شیر خداوند جهان، حیدر کرار؟
این دین هدی را به مثل دایره‌ای دان / پیغمبر ما مرکز و حیدر خط پرگار
علم همه عالم به علی داد پیمبر / چون ابر بهاری که دهد سیل به گلزار

فردوسی

فردوسی نیز در آغاز «شاهنامه» خود، بیت‌هایی را در ستایش امیرالمؤمنین علیه السلام سروده است. (فردوسی، شاهنامه، ص ۴۴۴).

که من شهر علمم علیم در است / درست این سخن قول پیغمبر است
گواهی دهم کاین سخن‌ها از اوست / تو گویی دو گوشم پرآواز اوست
منم بنده‌ی اهل بیت نبی / ستاینده‌ی خاک پای وصی
حکیم این جهان را چو دریا نهاد / برانگیخته موج ازو تندباد
چو هفتاد کشتی برو ساخته / همه بادبان‌ها پرافراخته
یکی پهن کشتی بسان عروس / بیاراسته همچو چشم خروس
محمد بدو اندرون با علی / همان اهل بیت نبی و ولی
خردمند کز دور دریا بدید / کرانه نه پیدا و بن ناپدید
بدانست کو موج خواهد زدن / کس از غرق بیرون نخواهد شدن
به دل گفت اگر با نبی و وصی / شوم غرقه دارم دو یار صفی
همانا که باشد مرا دستگیر / خداوند تاج و لوا و سریر
خداوند جوی می و انگبین / همان چشمه‌ی شیر و ماء معین
اگر چشم داری به دیگر سرای / به نزد نبی و علی گیر جای

ابوسعید ابوالخیر

ابوسعید ابوالخیر، عارف و شاعر ایرانی هم که در سده‌های چهارم و پنجم زیسته، رباعی‌هایی از سر ارادت، خطاب به امام علی علیه السلام سروده است. یکی از این رباعی‌ها معروفش این است (ابوالخیر، رباعیات، رباعی ۷۷).

ای حیدر شهسوار وقت مددست / ای زبده‌ی هشت و چار وقت مددست

من عاجزم از جهان و دشمن بسیار / ای صاحب ذوالفقار وقت مددست

ناصر خسرو قبادیانی: ناصر خسرو قبادیانی، شاعر قرن پنجم، قصیده‌ای در مخالفت با مداحی صاحبان قدرت از جانب شاعرانی چون عنصری، دارد. (ناصرخسرو، دیوان اشعار، ص ۲۰۵)

پسنده است با زهد عمار و بوذر / کند مدح محمود مر عنصری را؟

من آنم که در پای خوکان نریزم / مر این قیمتی در لفظ دری را

این شاعر اسماعیلی مذهب، در قصیده‌ی دیگری با اشاره به واقعه‌ی غدیر، سروده است :

بنگر که خلق را به که داد و چگونه گفت / روزی که خطبه کرد نبی بر سر غدیر

دست علی گرفت و بدو داد جای خویش / گر دست او گرفت تو جز دست او مگیر

عطار نیشابوری: شیخ فریدالدین عطار نیشابوری، شاعر و عارف سده‌های ششم و هفتم، هم درباره‌ی حضرت علی علیه السلام شعرهایی سروده که در یکی از آن‌ها آمده است. (عطار، منطق الطیر، ص ۲۲۵)

ای پسر تو بی‌نشانی از علی / عین و یا و لام دانی از علی

تو ز عشق جان خویشی بی‌قرار / و او نشسته تا کند صد جان نثار

مولانا جلال‌الدین محمد بلخی: مولانا جلال‌الدین محمد بلخی، شاعر و عارف قرن هفتم، در شعرهای بسیاری، اخلاص و سایر خصایل امام اول شیعیان را ستوده و از جمله در (دفتر اول مثنوی معنوی) خود، سروده است. (مولانا، دفتر اول « مثنوی معنوی»)

ای علی که جمله عقل و دیده‌ای / شمه‌ای واگو از آن‌چه دیده‌ای

تیغ حلمت جان ما را چاک کرد / آب علمت خاک ما را پاک کرد

بازگو دانم که این اسرار هوست / ز آن‌که بی شمشیر کشتن کار اوست

راز بگشا ای علی مرتضی / ای پس از سوءالقضا حسن‌القضا

حافظ شیرازی و دیگران

گفته می‌شود حافظ شیرازی نیز در بیت پایانی غزلی با مطلع:

طالع اگر مدد دهد دامنش آورم به کف / گر بکشم زهی طرب ور بکشد زهی شرف

به امیرالمؤمنین علی علیه السلام اشاره می‌کند.

حافظ اگر قدم زنی در ره خاندان به صدق / بدرقه‌ی رخت شود همت شحنه‌ی نجف (حافظ شیرازی، دیوان اشعار، غزل ۲۹۶)

پس از به قدرت رسیدن پادشاهان شیعه‌مذهب صفویه، محتشم کاشانی با تشویق و حمایت این پادشاهان، به مدح و ثنای اهل بیت (ع) پرداخت. محتشم شعرهایی هم در مدح امام علی علیه السلام سروده، اما بیش‌تر به مرثیه‌سرایی برای امام حسین علیه السلام مشهور است.

ابراز ارادت یا اشاره به شخصیت والای اولین امام شیعیان در آثار شاعرانی چون نظامی گنجوی، سعدی شیرازی، سنایی غزنوی، ابن یمین فریومدی، اهلی شیرازی، وحشی بافقی، صائب تبریزی، هاتف اصفهانی، شاه نعمت‌الله ولی، ابن حسام خوسفی، باذل مشهدی و بسیاری از دیگر شاعران دیده شده است. این در حالی است که تا پیش از عصر صفویه، همواره حاکمانی غیرشیعه و اغلب ضدشیعه بر ایران حکمرانی کرده‌اند.

در دوران حکومت پادشاهان غیرشیعه، شعر سرودن در رثای اهل بیت (ع)، نه تنها برای شاعران، پاداشی در پی نداشت، بلکه حتا در مواردی موجب محروم شدن آن‌ها از امکانات معمول می‌شد

شهریار و شاعران معاصر: در دوران معاصر نیز شاعران بسیاری به ستایش امیرالمؤمنین (ع) پرداخته‌اند، از جمله: شهریار، گرمارودی، سبزواری و... که مشهورترین شعر در مدح امام علی علیه السلام «علی ای همای رحمت» سروده‌ی شهریار است.

سیمای مولا علی در آینه شعر شاعران معاصر

با پیروزی انقلاب اسلامی در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ و استقرار نظام مقدس جمهوری اسلامی، به یکباره همه بنیان‌های فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی جامعه دچار تحول و تطور گردید. تکانه‌هایی که از وقوع انقلاب اسلامی در همه ارکان جامعه ایجاد شده بود، رفته رفته به پیکره ادبیات نیز سرایت کرد و ادبیات معاصر در یک دگردیسی ناگزیر، به هویت جدیدی دست یافت. هویتی منبعث از جهان بینی توحیدی و مبتنی بر آموزه‌های دینی و قرآنی.

با فروکش کردن هیجانات و التهابات سال‌های اول انقلاب و ایجاد ثبات سیاسی در کشور، نیاز به ادبیاتی متجانس و همگون با دین و ارزش‌های دینی به شدت احساس می‌شد. این احساس نیاز، نسل شاعران جوان و نوجوی انقلاب را به تکاپو واداشت تا با رویکردی اجتهادگونه به دین و با بهره‌گیری از میراث

بی‌بدیل و ماندگار «قرآن و عترت» به خلق و آفرینش آثار دینی اهتمام کنند. تاسیس حوزه «اندیشه و هنر اسلامی» - حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی فعلی - توسط جمعی از شاعران و نویسندگان معتقد و دین‌باور در سال‌های اول انقلاب نیز دقیقاً در راستای پاسخگویی به این مطالبه برحق جامعه بود.

با تاسیس حوزه هنری، بستری سالم و مناسب برای خلق آثار ارزشمند ادبی و هنری و متناسب با نیاز انقلاب فراهم شد. با شروع جنگ تحمیلی در سال ۵۹، از بطن شعر انقلاب، نوزادی به نام «شعر دفاع مقدس» متولد شد. شعری حماسی و رزمنده که برای ایجاد شور انقلابی و تهییج جوانان برای حضور در جبهه‌های حق علیه باطل ضرورت داشت. بعد از پایان یافتن جنگ و ایجاد امنیت و ثبات سیاسی در کشور، از آنجا که جمهوری اسلامی براساس دین و آموزه‌های دینی پایه‌گذاری شده بود، رفته رفته نگاه شاعران به شعر دینی معطوف گردید که مرکز ثقل این گونه ادبی «بزرگان دینی» بودند.

پیشینه شعر دینی و آیینی

تاریخ تولد این گونه ادبی که امروز با عنوان «شعر و ادب آیینی» از آن نام برده می شود، به صدر اسلام برمی گردد. در واقع باید گفت که با ظهور اسلام در شبه جزیره عربستان، شعر مذهبی نیز پا به عرصه وجود نهاد و شاعران نامداری چون: حسان بن ثابت، کمیت اسدی، فرزذق، دعبل خزاعی، سیداسماعیل حمیری، ابوالاسود دثلی، کعب بن زهیر، عمر بن سالم و عبدالله بن غالب اسدی و... با تشویق و ترغیب پیامبر ﷺ و خاندان رسالت دست به خلق و آفرینش آثار ادبی زدند. از این منظر، باید سرچشمه «شعر آیینی» را در صدر اسلام جست.

اگر بخواهیم به بررسی پیشینه شعر آیینی در زبان پارسی پردازیم، باید بگوییم که بعد از غلبه اعراب بر ایران و پذیرش اسلام توسط ایرانیان، ردپای شعر آیینی (به معنای عام) را در آثار اولین شاعران پارسی گو می توان مشاهده کرد. شاعران مسلمان پارسی زبان نیز از سده سوم ه. ق. به بعد، هریک به سهم خود بر این گنجینه زوال ناپذیر افزوده اند. با استناد به قرائن و شواهد تاریخی، عصر طاهریان و صفاریان (سده سوم ه. ق.) را باید نقطه شروع شعر پارسی در دوره اسلامی دانست و اولین

رگه های شعر آیینی را در آثار رودکی سمرقندی (پدر شعر فارسی) باید جست و جو کرد، آنجا که می گوید:

روی به محراب نهادن چه سود دل به بخارا و بتان طراز

ایزد ما وسوسه عاشقی از تو پذیرد، نپذیرد نماز (صالح رامسری، نمونه اشعار رودکی، ص ۳۰).

این که گفته می شود «کسایی مروزی» اولین شاعر مرثیه گوی پارسی زبان است، حرف درستی است. به این معنا که پیش از کسایی از هیچ شاعر پارسی زبانی در رثای شهدای کربلا شعری به صورت مکتوب در دست نیست. ولی اگر شعر آیینی به معنای عام آن مورد نظر باشد، با استناد به شعری که در بالا آوردیم، باید از رودکی به عنوان نخستین شاعر آیینی نام ببریم، چرا که شعر بالا، نمونه استوار و برجسته ای از شعر آیینی معرفتی (عرفانی) است.

شعر آیینی بعد از انقلاب

شاعران آیینی بعد از انقلاب نیز با خلق آثار ادبی فاخر و مانا، نقش موثری در غنابخشی به ادبیات داشته اند و امروز نیز این میراث نادر و بی بدیل را با آفرینش ها و زایش های جدید، چون جان عزیز گرامی می دارند.

امروز با گذشت بیش از سه دهه از پیروزی انقلاب اسلامی، این مولود خجسته که دوران کودکی و نوجوانی خود را با سربلندی پشت سر گذاشته و با نام «شعر و ادب آیینی» در فضای ادبیات معاصر ایران قامت برافراشته است، به عنوان یک گونه ادبی مستقل و ارجمند، به رسمیت شناخته شده و به همت شاعران مومن و دین باور، همچنان در مسیر باروری و بالندگی به راه خود ادامه می دهد.

مدح و منقبت خاندان رسالت، بیان آموزه های دینی، سیره عملی اهل بیت علیهم السلام و ترویج و تبلیغ ارزش های انسانی و اخلاقی از جمله گستره های مضمونی شعر آیینی است. این ادبیات زیر شاخه های فراوانی دارد که شامل توحیدیه (تحمیدیه)، اشعار نبوی، علوی، فاطمی، عاشورایی، رضوی و مهدوی (انتظارسروده ها) است. در این میان سروده های علوی، عاشورایی، رضوی و مهدوی بیشترین سهم را به خود اختصاص داده اند. در ادامه به بازخوانی اشعار علوی چند شاعر تاثیرگذار و جریان ساز این روز و روزگار می نشینیم.

سیمای علی علیه السلام در آینه شعر «نیما»

بعد از ابداع شعر نو توسط نیما، گروهی از مخالفان او بر آن شدند که با جوسازی و تهمت پراکنی، از نیما چهره‌ای لایبک و غیرمذهبی بسازند. آنان با این خیال باطل می‌پنداشتند که از گرایش جامعه به نیما و راه و روش او در ادبیات جلوگیری خواهند کرد.

علیرغم تهمت بزرگی که مغرضان و مخالفان به نیما بسته بودند، نیما از فطرتی پاک و روحی اخلاقی و دینی برخوردار بود. از همین رو او به بزرگان دینی عشق می‌ورزید و به محبت آنان افتخار می‌کرد. نیما به شهادت آثار و دست نوشته‌هایی که از او به یادگار مانده است، انسانی اخلاقی بود. به همین خاطر بسیار مراقبت می‌کرد که آلودگی‌های دنیوی روح او را مسموم نکند و از حقیقت جویی باز ندارد. او در یکی از نامه‌هایی که به پسرش نوشته است، بر دینداری خویش تاکید کرده و گفته است: «می‌دانم من حامی پاک و بدون ریای مظلومیت. نظریات خود را روی این قبیل عقاید تاسیس می‌کنم. فقط عقیده برای من مذهبی است. چنان که گفتم با کمال مواظبت عقاید خود را حفظ می‌کنم. همیشه میل دارم بر خلاف عقیده و امر وجدان خود به عملی مرتکب نشوم.» (یوشیج، نامه‌های نیما، ص ۲۶۴)

چنان که اشاره شد، نیما به بزرگان دین - بخصوص امام علی - سخت عشق می‌ورزید. مولای متقیان حضرت علی علیه السلام در چشم و دل نیما بهترین و کامل‌ترین الگوی زندگی بود. نیما شعر زیر را در مدح و منقبت آن امام همام سروده است:

گفتی ثنای شاه ولایت نکرده ام بیرون ز هر ستایش و حد ثنا علی ست
چونش ثنا کنم که ثنا کرده‌ی خداست هر چند چون غلات نگویم، خدا علی ست
شاهان بسی به حوصله دارند مرتبت لیکن چونیک در نگری پادشاه علی ست
گر بگذری ز مرتبه‌ی کبریای حق بر صدر دور زودگذر کبریا علی ست

بسیار حکم‌ها به خطامان رود، ولی در حق آن که حکم رود بی خطا علی ست

گر بی خود و گر بخود، اینم تناس بس در هر مقام بر لبم آوای یا علی ست

(شهرستانی، عمارت دیگر (شرح شعر نیما)، ص ۱۵۷)

سیمای امام علی علیه السلام در آثار دیگر شاعران معاصر

با توجه به تقارن ایام شهادت امام علی علیه السلام با لیالی پر برکت قدر، شهادت امام علی علیه السلام ذهن و زبان بسیاری از شاعران را در این ماه مبارک به خود معطوف داشته است. بیان فضایل و کرامات مولا علی علیه السلام - بخصوص عدالت خواهی، ساده زیستی، مردم‌داری و یتیم‌نوازی - و نام بردن از آن امام همام به عنوان

« شهید محراب و عدالت» مرکز ثقل این سروده‌های علوی ست.

محمد حسین بهجت تبریزی متخلص به «شهریار» با غزل معروف «علی ای همای رحمت» صدرنشین شاعران علوی در روزگار ماست. این غزل که در ذهن و زبان عوام و خواص خوش‌نشسته - چنان که شهریار در خاطرات خود گفته است - محصول کشف و شهودی عارفانه است:

علی ای همای رحمت تو چه آیتی خدا را که به ما سوا فکندی همه سایه ی هما را
دل اگر خلدانشناسی همه در رخ علی بین به علی شناختم من، به خدا قسم خدا را
مگر ای سحاب رحمت تو بیاری ارنه دوزخ به شرار قهر سوزد همه جان ما سوا را
برو ای گدای مسکین، در خانه ی علی زن که نگین پادشاهی دهد از کرم گدا را
به جز از علی که گوید به پسر، که قاتل من چو اسیر توست اکنون، به اسیر کن مدارا
به جز از علی که آرد پسری ابوالعجایب که عَلم کند به عالم شهدای کربلا را
نه خدا توانمش خواند، نه بشر توانمش گفت متحیرم چه نامم شه ملک لافتی را!

(شهریار، دیوان اشعار، ، جلد اول، ص ۶۹)

سیدعلی موسوی گرمارودی از شاعران تاثیر گذار و جریان ساز حوزه شعر آیینی ست. شاعری که در این عرصه از جایگاه و مرتبته والا برخوردار است. احراز این جایگاه به خاطر همنشینی و هم نفسی با عالمان مجتهد و مجاهدی چون مطهری ها ، طالقانی ها، بهشتی ها، مفتاح ها، و شریعتی هاست که هر یک از آنان از عالمان تراز اول دینی و از مصلحان بزرگ روزگار ما بوده اند. علاوه بر این، گرمارودی همچون زنده یاد طاهره صفارزاده از طلایه داران شعر مدرن دینی این روزگار است. وی با سپیدسروده «در سایه سار نخل ولایت» که به ساحت ملکوتی مولا علی تقدیم شده، نام خود را در ذهن و زبان مردم این روزگار جاودان کرده است. هر چند وی شهرت خود را بیش تر وامدار شعر عاشورایی «خط خون» است، ولی این سپیدسروده نیز در فخامت و استواری چیزی از «خط خون» کم ندارد. امتیاز این سپیدسروده آن است که با ستایش ذات اقدس پروردگار آغاز می شود - دقیقه ای که متاسفانه در شعر دینی و آیینی شاعران جوان روزگار ما سخت مورد غفلت قرار گرفته است - و در ادامه با لهجه ای حماسی به بیان فضایل و کرامات مولی الموحدین می پردازد. به گفته استاد بهاءالدین خرمشاهی ادیب و پژوهشگر صاحب نام معاصر: «شعر در سایه سار نخل ولایت که در منقبت و مرثیه حضرت علی(ع) است و همین شعر خط خون دو اوج بی مانند و قله رفیع شعر دینی عصر ماست؛ یعنی شعر با درونمایه مذهبی که در شعر نو سابقه ای به این درخشانی و درخششی به این نمایانی ندارد و این دو شعر کم نظیر که هم قوت قریحه و هم صلابت ایمانی و غیرت دینی شاعر را نشان می دهد، نیز مانند شعرهای بلند دیگر او، به صریح ترین وجه مؤید این است که هنر یعنی نگاه دیگرگون و متفاوت.» بازخوانی بخشی از این علوی سروده باشکوه که در سال ۱۳۵۶ سروده شده، خالی از لطف نیست:

خجسته باد نام خداوند

نیکوترین آفریدگاران

که تو را آفرید.

پیش از تو، هیچ اقیانوس را نمی شناختم

که عمود بر زمین بایستند...

پیش از تو، هیچ فرمانروا را ندیده بودم

که پای‌افزاری وصله‌دار به پا کند،

و مَشکی کهنه بر دوش کشد

ای روشنِ خدا

در شب‌های پیوسته‌ی تاریخ

ای روح لیل‌القدر

حتی مطلع الفجر

نه، بذر تو، از تبار مغیلان نیست... (موسوی گرمارودی، گوشواره عرش، صص ۱۲۳ تا ۱۲۹)

عبدالجبّار کاکایی از شاعرانی ست که سعی کرده است نگاه متعالی تری به حوزه دین و آیین داشته باشد. لهجه کاکایی در شعر آیینی، لهجه ای معرفت‌شناسانه و منبعث از سیرت دین است. او کژتابی‌های مضمونی و اعتقادی را برای شعر آیینی یک تهدید و آسیب می‌داند و در صدد اصلاح گری و آسیب زدایی از این عرصه است. وی شعر دینی دهه ۵۰ را از نظر مضمون و محتوا اصیل تر و فاخرتر از شعر آیینی روزگار ما می‌داند و بر این باور است که شعر آیینی در روزگار ما دچار فقر اندیشه است و هنوز هم نمونه‌های موفق شعر دینی را باید در آثار شاعرانی چون طاها حجازی، موسوی گرمارودی، طاهره صفارزاده، و جواد محدثی جست و جو کرد. جان کلام آن که کاکایی در شعر آیینی پیش و بیش از آن که به دنبال «ستایش گری» باشد، به دنبال «هدایت گری» ست. و اما غزلی از او در شهادت امام علی علیه السلام:

برخاست مثل کوه ز جا مولا پل بست بین خاک و خدا مولا

چون عطر آسمانی گل پیچید در زلف کوچه‌های رها مولا

با قطره‌های اشک فرود آمد از چشم‌های پنجره‌ها، مولا

کوفه چه کرده بود که می‌نالید ز آن نخل‌های بی‌سر و پا مولا

بر سجده رفت آینه قرآن تکرار شد در آینه‌ها مولا

ناگاه، سایه برق زد و محراب فریاد زد بلند که «یا مولا!»

محمد کاظمی نیز از شاعرانی ست که در حوزه شعر آیینی دغدغه‌های ارجمندی دارد. دیدگاه‌های او در این حوزه - به عنوان یک منتقد و پژوهشگر برخوردار از دانش و بینش ادبی - قابل تامل و راهگشاست. در جان و جهان شعرهای کاظمی «اندیشه» از جایگاه رفیعی برخوردار است. او زمانی گام در وادی شعر می‌گذارد که «حرفی برای گفتن» داشته باشد. غزل زیر نمونه‌ای

از آیینی سروده های این شاعر دقیقه یاب است که در شهادت مولا علی علیه السلام سروده شده است. شاعر در این غزل ضمن به تصویر کشیدن دقیقه ضربت خوردن مولا علی علیه السلام در مسجد کوفه، از راز شهادت آن امام همام به زیبایی رمزگشایی کرده است:

و قسم خورده ترین تیغ، فرود آمد و رفت ناگهان هرچه نفس بود، کبود آمد و رفت
در خطر پوشی دیوار ندیدیم چه شد برق نفرین شده ای بود، فرود آمد و رفت
از خم کوچه پدیدار شد انبان بر دوش تا که معلوم شد آن مرد که بود آمد و رفت
از کجا بود؟ چسان بود؟ ندانستیم اش این قدر هست که بخشنده چو رود آمد و رفت

(بیدکی، مجموعه شعر علی گویان، صص ۱۴۰-۱۳۹)

قبصرامین پور و سید حسن حسینی از احیاکنندگان رباعی در دوران بعد از انقلاب به شمار می روند. رباعی هایی که از قیصر در دفتر «در کوچه آفتاب» به یادگار مانده، آینه بی غبار جان زلال و روح لطیف اوست. او ساده و بی تکلف شعر می گفت، چنان که در زندگی نیز اینچنین بود. نگاه او به بزرگان دینی، نگاهی برآمده از معرفت بود. معصومین در نگاه زیباییین او «اسوه» هایی دست یافتنی بودند، نه «اسطوره» هایی دست نیافتنی و ماورایی. رباعی زیر نمونه خوبی برای اثبات این ادعاست. قیصر در این رباعی، با بیانی صمیمی و به دور از تکلف، ضمن اشاره به فضایل و کرامات مولی الموحدین، از فاجعه شهادت قرآن ناطق امام علی علیه السلام پرده برداری کرده است:

امشب سر مهربان نخلی خم شد در کیسه نان، به جای خرما غم شد
در خانه دور، بیوه ای شیون کرد همبازی کودک یتیمی کم شد

(امین پور، در کوچه ی آفتاب، ص ۲۰)

سخنی دیگر در خصوص شعر آیینی

در این نوشتار ذکر دو نکته ضروری به نظر می رسد. اول این که شعر دینی و آیینی روزگار ما باید برای انسان معاصر از بزرگان دینی «اسوه» بسازد، نه «اسطوره»، تا انسان نسل اکنون بتواند شخصیت هایی همچون امام علی علیه السلام را الگوی زندگی خود قرار دهد. چنان که در آیه (۱۱۰) سوره کهف خدا خطاب به پیامبر (ص) می فرماید: «قُلْ أَنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُمُ اللَّهُ وَاحِدٌ ... ای پیامبر! به امت بگو که من هم بشری همانند شما هستم»، بشری که مثل بقیه انسانها در کوچه و خیابان راه می رود، با مردم نشست و برخاست می کند، از بازار خرید می کند، در مزرعه بیل می زند، در خانه، همسررداری می کند، لباس می پوشد، غذا می خورد و ... و همه این مسائل، یعنی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم انسانی است که می تواند، برای انسان خاکی و زمینی «الگو» قرار گیرد. از این منظر، شایسته است شاعران آیینی در شعر خویش - پیش و بیش - از وجوه «افتراق»، به وجوه «اشتراک» پیامبر و معصومین علیهم السلام بپردازند و این ذوات مقدس را آنگونه توصیف کنند که برای مردم، محسوس و ملموس و هضم شدنی باشد. اگر این بزرگواران را به صورت تک بعدی و فقط موجوداتی آسمانی و ماورایی ببینیم، آن وقت چگونه می توانیم از مردم انتظار داشته باشیم که همانند آنان باشند و آنها را برای زندگی خود «الگو» قرار دهند؟

این حقیقت انکارناپذیر وجود دارد که پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و امامان بزرگوار ما برگزیده خدا و معصوم بوده‌اند؛ ولی به این حقیقت هم باید اشاره کرد که این بزرگواران در عین برخورداری از کرامات و فضایل والای انسانی به گفته خداوند در قرآن کریم «اسوه و الگو» هستند؛ یعنی موجودی از جنس همین انسان خاکی و زمینی. فراموش کردن این اصل و فقط پرداختن به کرامات و معجزات آنان و تبدیل آنان به اسطوره‌ای دست‌نیافتنی، یعنی سر از ترکستان درآوردن و به بی‌راهه‌زدن. یادمان باشد که ما برای «وصل» کردن آمده‌ایم؛ نه برای «فصل» کردن.

نکته دیگر آن که هر چند مدح و منقبت بخشی از جان و جهان شعر آیینی است، ولی شاعر آیینی نباید در این منزل متوقف بماند، بلکه برای ایفای رسالت پیامبرگونه خویش باید از منزل صورت (مدح و منقبت) به منزل سیرت (حکمت و معرفت) هجرت کند و مخاطب خویش را بر خوان بصیرت بنشانند. برای سربلند بیرون آمدن از عرصه این آزمون، شاعر آیینی باید خود را به دانش و بینش دینی مجهز کند و بیش از دیگران «درد اسلام» داشته باشد. مگر نه این است که شاعری پرتوی از شعور نبوت است و شاعر بر مسند «اصلاح‌گری» و «انسان‌سازی» تکیه زده است. چنان که علامه اقبال هم گفته است:

شعر را مقصود اگر آدم‌گری ست شاعری هم وارث پیغمبری ست

جانمایه شعر علوی نیز چیزی جز این نیست. شعر علوی باید تربیونی برای ترویج فضیلت‌ها و ارزش‌های انسانی باشد. شعر عشق، حماسه، عرفان، حکمت، پایداری، ستم‌سوزی، حق‌طلبی و عدالت‌خواهی. هر کس چیزی غیر از این بگوید، و به گونه‌ای دیگر ببیند، به یقین راه به خطا برده و از مسیر روشن و سعادت‌بخش سیره علوی فاصله گرفته است که هرگز اینچنین مباد.

نتیجه

ابراز ارادت یا اشاره به شخصیت والای اولین امام شیعیان در آثار شاعرانی چون، سعدی شیرازی، سنایی غزنوی، مولوی، عطار، حافظ همچنین شعرای معاصر خصوصا شهریار و بسیاری از دیگر شاعران دیده شده است. حتی شاعرانی که شیعی نیستند و سجایای اخلاقی مردانگی و فتوت ایشان را قالب شعریشان آورده اند و رسم امانت را به خوبی به جای آوردند.

منابع :

- ۱- صالح رامسری، لیما، نمونه اشعار رودکی، تهران، امیرکبیر، چاپ دوم ۱۳۶۲.
- ۲- یوشیج، شراگیم، نامه های نیما، تهران، نگاه، چاپ اول ۱۳۷۶.
- ۳- شهرستانی، سید محمد علی، عمارت دیگر (شرح شعر نیما)، تهران، قطره، چاپ اول ۱۳۸۳.
- ۴- شهریار، دیوان اشعار، تصحیح: حمید محمدی، جلد اول، تهران، انتشارات زرین، چاپ بیست و چهارم، تهران، ۱۳۸۲.
- ۵- موسوی گرمارودی، سیدعلی، گوشواره عرش، تهران، سوره مهر، چاپ سوم ۱۳۹۰.
- ۶- بیدکی، زهرا، مجموعه شعر علی گویان، ۱۳۹۱.

۷- امین پور، قیصر، در کوچه ی آفتاب، تهران، چاپ دوم ۱۳۶۴.

۸. عطار نیشابوری، منطق الطیر

۹. مولانا جلال الدی بلخی، مثنوی معنوی

۱۰. درخشان، مهدی، اشعار کسایی مروزی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۴

۱۱. نوری کودتایی، نظام الدین، جلوه ی علی (ع) در ادب فارسی، تهران، انتشارات زهره، ۱۳۷۹.

۱۲. حضرتی، محمد علی، ستایش امیرالمؤمنین (ع) در سروده های سخنوران قزوینی، انتشارات طه، ۱۳۷۹.

